

نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی مبتنی بر توان‌افزایی جوامع محلی؛ مطالعه موردی: روستای اشتیوان، شهرستان باخرز، استان خراسان رضوی

سید امیرحسین گرکانی*، سجاد امیری**، معصومه قربانی***

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۴۰۱/۱۱/۱۵

چکیده

توان‌افزایی و ظرفیت‌سازی روستائیان و تشکل‌ها، یکی از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار است. یکی از راهبردهای مؤثر در توسعه پایدار روستایی، نقش سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی حاصل تعاملات میان انسان‌ها، سازمان‌ها و نهادها است که مبتنی بر اعتماد و همدلی است و به واسطه مشارکت و همکاری اجتماعی تسهیل می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت اجتماعی) در توسعه روستایی جهت توان‌افزایی جوامع محلی است. در این پژوهش، سرمایه اجتماعی شبکه جوامع روستای اشتیوان، از طریق تکمیل پرسش‌نامه تحلیل شبکه‌ای و مصاحبه مستقیم با اعضای گروه‌های خرد توسعه روستایی بررسی می‌شود. پژوهش با رویکرد شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت. بنابراین، کارگاه‌های مشارکتی بسیج منابع اجتماعی در روستا برگزار شد که خود زمینه‌ساز تشکیل گروه‌های خرد توسعه روستایی بود. به‌منظور تحقق توانمندسازی اجتماعی باید مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند مشارکت و اعتماد در میان افراد تقویت شود. پیوندهای اعتماد و مشارکت میان ۱۱۳ عضو در ۱۱ گروه خرد توسعه روستایی با استفاده از شاخص‌های کمی سطح کلان شبکه بررسی شد و سرمایه اجتماعی گروه‌های خرد توسعه در مراحل مختلف قبل و بعد از اجرای پروژه بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که میزان اعتماد، مشارکت و به‌نوعی سرمایه اجتماعی در قبل از اجرای پروژه در حد متوسط و گاهاً ضعیف بوده که پس از اجرای این پروژه میزان این مؤلفه‌ها افزایش یافته است. سرعت گردش و تبادل اعتماد و مشارکت بین افراد و نیز اتحاد و یگانگی بین افراد بعد از اجرای طرح افزایش یافته است. به‌طورکلی باتوجه‌به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان بیان کرد که به دنبال اجرای این پروژه میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شبکه افزایش یافته و در واقع می‌توان استدلال نمود که پس از اجرای پروژه، با تقویت سرمایه اجتماعی، تحقق و ارتقای توانمندی جوامع روستایی امکان‌پذیر شده است.

کلمات کلیدی: توان‌افزایی جوامع محلی، تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی، توسعه روستایی، اشتیوان.

* دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** کارشناس مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. samiri@ut.ac.ir

*** کارشناس مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران.

مقدمه

مفهوم توسعه هم ابعاد کمی و هم ابعاد کیفی دارد و تأکید بر جنبه‌های کمی بدون در نظر داشتن جنبه‌های کیفی و برعکس به مفهوم توسعه نیست (جمعه پور، ۱۳۸۴). توسعه روستایی یعنی فرایند توانمندسازی و تقویت قابلیت زندگی از نظر کیفیت زندگی، کیفیت محیط به کارایی اقتصادی و کیفیت محیط بیوفیزیکی در نواحی روستایی (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲). بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران امور اقتصادی و اجتماعی به‌خوبی به این نکته واقف‌اند که در برنامه‌های توسعه کشور (مانند برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله)، نمی‌توان فقط به بعد مادی یا رشد اقتصادی توجه داشت، زیرا این روند، در چند دهه گذشته مشکلات اجتماعی و فرهنگی را نادیده گرفته و در میان‌مدت و درازمدت حاصلی جز زیان و درنهایت ایجاد موانع در راه پیشرفت همه‌جانبه و توسعه پایدار در کشور نتیجه‌ای در بر نداشته است. لذا لازمه دستیابی به توسعه، تحول اجتماعی مردمی است و تحول اقتصادی و تحرکی دولتی هرگز کافی ناست. توسعه راستین در روند مشارکت فراگیر اجتماعی و نه در تولید کالایی اقتصادی حاصل می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). توسعه روستایی هم به‌عنوان یکی از مباحث توسعه با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. یکی از این مباحث عدم توجه به سرمایه اجتماعی در بین روستائیان است که به‌صورت هزاران خرده‌فرهنگ در پهنه جغرافیایی کشور گسترده شده‌اند و شناخت آن روند برنامه‌ریزی توسعه روستایی را برای متخصصان مربوط تسهیل کرده و مشارکت روستائیان را در اجرای بهتر برنامه به همراه دارد (Sharbatian et al., 2015). توسعه یک منطقه تنها با تکیه بر منابع طبیعی مقدور نیست، بلکه یکی از موارد لازم و اساسی دیگر سرمایه اجتماعی است؛

سرمایه اجتماعی یک روستا بیان‌کننده بخشی از پتانسیل‌های انسانی آن روستا است و برای هرگونه برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه لازم است که سرمایه اجتماعی آن منطقه نیز موردبررسی همه‌جانبه قرار گیرد (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵: ۲۳؛ Popovych, 2018). یکی از راهبردها که اخیراً توسط جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان توسعه، در بسیاری از کشورهای جهان موردتوجه قرار گرفته و توانسته است نقش مؤثری در توسعه روستاها به دنبال داشته باشد، نقش سرمایه اجتماعی است. اهمیت سرمایه اجتماعی سبب شده است تا از یک طرف، از آن به‌عنوان محصول سرمایه‌گذاری عمده در روابط با دیگران و کاربرد آن در دسترسی متفاوت به منابع متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌ها یاد کنند و از طرف دیگر، برای غلبه بر مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد کم‌بازده روستائیان به کار گرفته شود (رومیانی و همکاران، ۱۳۹۵). از این جهت سرمایه اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه به شمار می‌آید که به‌طور قابل‌توجهی به توسعه پایدار کمک می‌کند و معمولاً زمانی که از مشکلات اقتصادی سخن به میان می‌آید، اغلب کمبود سرمایه فیزیکی را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین معضلات نام می‌برند و از سرمایه اجتماعی هیچ سخنی به میان نمی‌آید. این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط رکود و تورمی که نیاز به اعتمادسازی است، بیش از هر سرمایه دیگری احساس می‌شود و در کنار سرمایه دیگر می‌تواند بسیاری از معماهای لاینحل اجتماعی را از سر راه حرکات توسعه‌ای جامعه بردارد و رشد شتابان اقتصادی، اجتماعی را امکان‌پذیر نماید (اکبریانی و همکاران، ۱۳۹۶). از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی اجتماعی روستائیان است، که برای

ایفای نقش مردم، اعتمادسازی و مشارکت آن‌ها در این زمینه، توانمند کردن مدیریت محلی با رویکرد تقویت سرمایه اجتماعی است؛ به طوری که بسیاری از محققان سرمایه اجتماعی را به عنوان حلقه مفقود شده توسعه پایدار روستایی قلمداد کرده‌اند (Dhesi, 2000).

به عبارتی، سرمایه اجتماعی هم فرایند توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم از فرایند توسعه تأثیر می‌پذیرد (Ghaffari, 2011). در این رابطه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نقش مؤثری بر تصمیم‌گیری بهتر، افزایش میزان مشارکت و نیز همراه با افزایش اعتماد بین گروهی در سطح طایفه، بستر مناسبی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه‌ای را فراهم نموده است (Azkia & Firoozabadi, 2008). بر این اساس سرمایه اجتماعی در سطح جوامع روستایی سبب جلب مشارکت و همیاری تمام نیروهای مؤثر در حیات جامعه روستایی جایگزین هم‌گرایی به جای تفرق و واگرایی می‌شود (Rezvani & Darban Astaneh, 2012). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی به عنوان روابط بین اعضای گروه‌ها و اجتماعات معرفی می‌شود که موجب شکل‌گیری اعتماد و تسهیل کنش‌ها می‌شود (حیدری، ۱۳۹۰).

بنابراین سرمایه اجتماعی موضوع روبه‌رشد بسیاری از مطالعات در سال‌های اخیر است و شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به‌خصوص جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل بین جوامع محلی و نهادهای دیگر است. مضاعف بر این، عاملی مؤثر در رسیدن به توسعه پایدار روستایی است، چرا که توسعه پایدار روستایی بر مشارکت ساکنان محلی، از طریق مذاکره، مشورت و تعامل استوار است که درکی از سهم هریک از ساکنان را در فرایند توسعه فراهم می‌آورد (میری و

بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود در یک منطقه، توانمندسازی مردم از طریق افزایش سرمایه اجتماعی، آموزش و آشنا کردن مردم با نقش مهمشان در شکوفایی آن منطقه ضروری است (راستین و همکاران، ۱۳۹۳). هدف از این پژوهش بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی به منظور توانمندسازی جوامع محلی است.

ادبیات موضوع سرمایه اجتماعی

از دیدگاه سنتی، سرمایه اجتماعی از سه عنصر اساسی تشکیل می‌شود؛ اعتماد، همکاری متقابل و شبکه‌های اجتماعی که به مثابه مزیتی است که جامعه و افراد به وسیله آن بتوانند از مشارکت و همکاری متقابل و اعتماد به یکدیگر بهره‌مند شود (Currie & Staneley, 2008). مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه‌حلی اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی برای حل مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران، مسئولان سیاست اجتماعی و مدیریت محلی قرار گرفته است (Warner, 1999). از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی جامعه جهانی تمایل به برانگیختن مشارکت محلی در میان سازمان‌های غیردولتی، مدیران دولتی و نهادهای علمی و دانشگاه را گسترش داده است. امروزه این رهیافت برای کاستن از محدودیت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت از بالا به پایین طراحی می‌شود (Ericsson, 2004)؛ به طوری که نظارت مردم محلی بر مسائل مربوط به محل خود، یکی از عناصر مهم توسعه روستایی است و این به معنای کمک آن‌ها برای مشارکت در تصمیم‌گیری و افزایش مهارت‌های مربوط به چگونگی رفع مشکلات است (Saleh Nasab, 1992: 25). بدین ترتیب، یکی از ابزارهای مهم در جهت دستیابی به توسعه روستایی،

همکاران، ۱۳۸۹). امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام‌بخشی میان انسان‌ها، میان سازمان‌ها و میان انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها است. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار است (احمدی، ۱۳۹۶). دو مؤلفه مهم و اساسی سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد است که در یک تعامل دوسویه، سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵). به‌طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای، نشانگر میزان اعتماد افراد به یکدیگر است (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی مفهومی کلان است که دربرگیرنده ابعادی مانند اعتماد و مشارکت است. مشارکت به معنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی معین است که در آن پیگیری اقدامات به‌صورت توافقی و آگاهانه انجام می‌شود (شرقیان ثانی، ۱۳۸۱) و بعد دیگر سرمایه اجتماعی اعتماد است که درواقع پیش‌شرط مشارکت و همکاری بوده و بقا و پایداری روابط بین کنشگران به اعتماد افراد به یکدیگر وابسته است. اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. مشارکت و اعتماد به‌صورت دو متغیر وابسته به یکدیگر دیده شده‌اند، یعنی اعتماد ناشی از زندگی معاشرتی قوی است و درعین حال به‌صورت خودانگیخته تقویت انجمن‌ها را تسهیل می‌کند. نظریه سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که به‌طور کلی هرچه بیشتر با دیگران پیوند داشته باشیم، نشانگر اعتماد بیشتر ما با آن‌ها و به‌عکس خواهد بود (Putnam, 1995). سرمایه اجتماعی به دو گروه درون‌گروهی و برون‌گروهی تقسیم می‌شود. پاتنام

(۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را به‌عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون تعریف می‌کند؛ درحالی‌که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تنها گروه‌های هم‌جنس را به همدیگر پیوند می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی محدود، به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار است و بر پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید دارد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی همگنی را حفظ نموده و سبب تحریک اتحاد می‌شود و مانند چسب در جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری و مشارکت در گروه‌ها به کار می‌آید (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی به‌عنوان عامل اساسی در نیل به اهداف توسعه روستایی (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲)، هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل نقش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی از طریق روش تحلیل شبکه اجتماعی در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای یک پروژه توانمندسازی جوامع روستایی اجتماع‌محور، بر میزان مشارکت جوامع محلی روستای اشتیوان از توابع شهرستان باخرز استان خراسان رضوی است. قابل‌ذکر است که این گروه‌های خرد توسعه به دنبال اجرای پروژه توانمندسازی جوامع محلی طرح آبادانی و پیشرفت جامع شکل گرفته است.

اعتماد

اعتماد نه تنها یک جنبه مهم از تعاملات اجتماعی است بلکه مؤلفه مرکزی و شاخص کلیدی در بحث سرمایه اجتماعی است (Murayama et al., 2014). اعتماد به‌عنوان عامل توسعه و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در پژوهش‌های زیادی به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در تاب‌آوری و خروجی مدیریت موفق جوامع محلی و توسعه پایدار روستایی در نظر گرفته

پژوهش‌های متعدد توسعه روستایی نشان می‌دهد مشارکت در نهادهای اجتماعی، انسجام میان گروهی در میان اقشار جامعه روستایی، اعتماد و ارتباطات اجتماعی و احترام و آگاهی به حقوق اجتماعی افراد، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را ممکن می‌سازد که در نبود آن‌ها، این دستاوردهای غیرممکن و پرهزینه می‌شود (Coleman, 1990).

از این‌رو جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، کسی که مشارکت فعال نداشته باشد، قادر به بهره‌وری از فرصت‌هایی که برای او در جامعه پیش می‌آید، نیست و به‌نوعی منزوی شده، دچار طرد اجتماعی^۱ می‌شود (De Haan, 2001).

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

برای پیشبرد اهداف این تحقیق، به ارزیابی سرمایه اجتماعی روستای اشتیوان از توابع شهرستان باخرز در استان خراسان رضوی پرداخته شد. شهرستان باخرز در جنوب شرقی استان خراسان رضوی قرار دارد که از شمال به شهرستان تربت جام، از جنوب به شهرستان خواف، از شرق به شهرستان تایباد و از غرب به شهرستان زاوه محدود شده است. شهرستان باخرز به لحاظ ساختار اداری سیاسی از دو بخش، چهار دهستان و یک شهر و ۵۴ روستا تشکیل شده است. روستای اشتیوان واقع در شرق شهرستان باخرز (تصویر شماره ۱)، ۸۶۷ نفر جمعیت در قالب ۱۵۶ خانوار دارد. عمده ساکنان روستا به کشاورزی و دامداری مشغول هستند.

به منظور سنجش و ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی مرتبط با پروژه توانمندسازی جوامع روستایی، در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه از روش تحلیل شبکه‌ای بهره برده

شده است (Stern & Baird, 2013). اعتماد برای تمامی روابط و سیستم‌های اجتماعی ضروری است، زیرا سبب کاهش نافرمانی می‌شود و رسیدن به اهداف را تسهیل می‌کند (Barber, 1983). در واقع، اعتماد معیاری کلیدی و اساسی برای شروع مدیریت مشارکتی در میان همه کنشگران درگیر در فرایند مدیریت مشارکتی، توسعه اعتماد و روابط متقابل آن‌ها است (Davenport et al., 2007). اعتماد، راهبردی است که افراد را قادر می‌سازد تا خود را با محیط‌های اجتماعی پیچیده وفق دهند و بدین‌وسیله از فرصت‌های فزاینده سود ببرند (Earle et al., 1995). از سوی دیگر، بی‌اعتمادی مسیرهای ارتباطات را مسدود می‌کند، موجب جدایی اعضای جامعه از یکدیگر می‌شود و فرصت‌های مربوط به تعاون و همکاری را از بین می‌برد (Ghaffari, 2011). بنابراین، در زمینه توانمندسازی و توسعه پایدار محلی، بررسی و ارزیابی شبکه روابط اعتماد، بسیار مهم است.

مشارکت

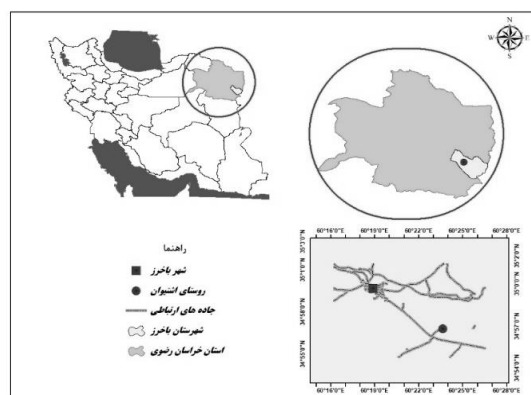
مشارکت، مؤلفه دیگری برای سرمایه اجتماعی و وجهه اساسی و درعین‌حال گم شده توسعه پایدار در روستاها است (گل شیرینی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸). مشارکت همچنین فرایندی است که طی آن، افراد از طریق احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن، به‌طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می‌زنند. به تعبیر دیگر، مشارکت تعهدی مشترک برای انجام دادن فعالیتی معین است که در آن، پیگیری اقدامات به‌صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). مشارکت اجتماعی بر فعالیت‌های داوطلبانه و ارادی دلالت می‌کند که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله و روستا شرکت می‌کنند (گرجی کرسامی و بابایی کارنامی، ۱۳۹۶).

شد. به این ترتیب، با استفاده از شیوه‌های پیمایشی، ابتدا گروه‌های هدف شامل افراد در هر گروه خرد توسعه روستایی اشنیوان شناسایی شدند. این تحقیق در سطح شبکه روابط ذی‌نفعان محلی در داخل هر زیرگروه خرد توسعه روستایی یکدیگر بررسی شده است. در حالت اول تأکید بر خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و در حالت دوم تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی مدنظر قرار گرفته است. تعداد افراد پرسش‌شونده در این تحقیق ۱۱۳ نفر در قالب ۱۱ گروه خرد توسعه روستایی است. بر این اساس، پرسش‌نامه تحلیل شبکه‌ای تدوین و از طریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با هریک از افراد تکمیل شد. در این تحقیق روش شبکه کامل برای انتخاب جامعه آماری در نظر گرفته شده است که کل اعضای شبکه را بررسی می‌کند. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار Ucinet نسخه ۶ وارد شد و با روش تحلیل شبکه اجتماعی شاخص‌های مدنظر تحلیل شد.

تحلیل شبکه اجتماعی (SNA)^۲ نام دارد. روش تحلیل شبکه‌ای بر اساس معیارها و شاخص‌های کمی قادر است روابط اجتماعی و تبادلات اقتصادی بین افراد را در قالب ساختاری شبکه‌ای دیداری کند که این مهم مدیران و برنامه‌ریزان را در تحلیل ذی‌نفعان و تصمیم‌گیری بهینه برای توانمند شدن جامعه روستایی یاری می‌کند. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی سیاستی در توانمندسازی جوامع روستایی است (Ghorbani, 2015). سرمایه اجتماعی به‌عنوان منافذ ساختاری شبکه تنها با فرض وجود دوسویگی^۳ و روابط دوجانبه و متقابل قابل بررسی است و نباید آن را صرفاً از طریق ارزیابی شاخص تراکم^۴ محض که پیوندهای اجتماعی را بدون در نظر گرفتن دوسویگی آن‌ها بررسی می‌کند، قضاوت کرد. بنابراین در این تحقیق، قبل و بعد از اجرای پروژه این شاخص‌ها بررسی شده است که در ادامه به معرفی هر شاخص پرداخته شده است:

تراکم شبکه

تراکم در شبکه اطلاعاتی، به‌عنوان نسبت گره‌های اطلاعاتی موجود در شبکه، به تعداد حداکثر گره‌های ممکن تعریف می‌شود. تراکم بالای شبکه نشان‌دهنده میزان بالای انسجام در بین افراد است. همان‌گونه که پیش‌ازین نیز اشاره شد، مطابق نظریه بارت، میزان بسته بودن شبکه هم‌ارز با میزان انسجام یعنی ساختار درونی شبکه و پیوندهای درون‌گروهی به یک میزان است (Bodin & Prell, 2011). این شاخص به‌صورت نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن تعریف می‌شود. میزان این شاخص بین صفر تا یک و نیز صفر تا ۱۰۰ درصد متغیر است (Jatel, 2013). این شاخص نیز معرف میزان همبستگی شبکه است (Bastani & Raeesi, 2011).



ت ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه در استان و

شهرستان

روش تحلیل شبکه

در علوم اجتماعی، رویکرد ساختاری که مبتنی بر مطالعه کنش‌های متقابل میان کنشگران اجتماعی است،

دوسویگی پیوندها در شبکه

به منظور تعیین میزان پایداری شبکه روابط و میزان متقابل بودن پیوندهای اعتماد و مشارکت از این شاخص استفاده می‌شود. هرچه میزان این شاخص در شبکه روابط بیشتر باشد، نشان‌دهنده بالا بودن میزان روابط متقابل سازنده بین افراد حاضر در شبکه است و پایداری شبکه روابط را تضمین می‌کند (Leahy & Anderson, 2008).

انتقال یافتگی^۵ پیوندها در شبکه

این شاخص از به اشتراک گذاری پیوندها بین سه فرد که یکی از آن‌ها پل ارتباطی بین دو فرد دیگر است، حاصل می‌شود. هرچه تعداد افراد انتقال‌دهنده پیوندها بیشتر باشد، میزان این شاخص بالاتر است و در نتیجه پایداری و دوام روابط را در بین کنشگران به دنبال دارد (Mohamadi Kangarani & Mohamadi, 2014).

کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر (میانگین فاصله ژئودزیک)^۶

این شاخص نشان‌دهنده میزان کوتاه‌ترین مسیر در بین دو جفت کنشگر بر اساس پیوندهای اعتماد و مشارکت است. هر چه میزان این شاخص کمتر باشد، سرعت گردش و پخش اعتماد و پیوندهای مشارکتی در بین افراد و میزان اتحاد و یگانگی در جامعه بیشتر می‌شود، بنابراین زمان کمتری برای اعتمادی سازی در شبکه مورد نیاز است و هماهنگ ساختن افراد در شبکه برای اجرای مدیریت مشارکتی با زمان کمتری مواجه خواهد بود (Sepehri & Riahi, 2010).

یافته‌ها

برای بررسی شاخص‌های مختلف تحلیل شبکه‌ای در سطح زیرگروه‌های روستا، هریک از ۱۱ گروه به‌عنوان شبکه کاملی در نظر گرفته شده است. نتایج به‌دست‌آمده از شاخص تراکم نشان از آن دارد که در مرحله قبل از

اجرای پروژه در ارتباط با پیوند اعتماد، زیرگروه فردوسی و بنفشه به ترتیب با ۹۱/۱ و ۸۶/۵ درصد بیشترین میزان شاخص تراکم را در پیوندهای اعتماد و مشارکت به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین میزان بسته بودن شبکه و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را نیز در بین گروه‌های مختلف دارند. همچنین کمترین میزان بسته بودن شبکه، انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در این مرحله متعلق به گروه نیاز با میزان ۱۸/۹ درصد است. در مرحله بعد از اجرای پروژه نیز گروه‌های فردوسی و حسام بیشترین میزان تراکم در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت را داشته و به‌این ترتیب انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیشتری در مقایسه با دیگر گروه‌های موجود در روستا دارند (جدول شماره ۱). به‌طورکلی میزان زیاد اعتماد و مشارکت در بین افراد منجر به تسهیل در به اشتراک‌گذاری منابع و تقویت روابط بین اعضای گروه می‌شود و نقش مؤثری در توسعه پایدار روستایی و اجرای موفق پروژه خواهد داشت. از این رو، دستیابی این مهم در روستای اشتیوان را می‌توان به برگزاری کارگاه‌های مشارکتی و برنامه‌ریزی ترویجی و آموزشی در خلال اجرای پروژه و به‌منظور دستیابی به مدیریت مشارکتی جوامع محلی و توسعه پایدار روستایی نسبت داد.

نتایج شاخص دوسویگی نشان می‌دهد که در مرحله قبل از اجرای پروژه گروه بصیرت و فردوسی بیشترین و کمترین میزان شاخص دوسویگی را به ترتیب در دو پیوند اعتماد و مشارکت داشته‌اند که این مقدار در گروه فردوسی با ۸۲/۲ درصد بیشترین و گروه بصیرت با ۱۲/۵ درصد کمترین میزان شاخص دوسویگی را به ترتیب در پیوندهای مشارکت و اعتماد دارد. وجود تفاوت معنادار میان اعتماد و مشارکت در این دو گروه

چالش محسوب می‌شود که نیاز است با تقویت روابط مشارکت را افزایش داد تا بتوان شاهد تحقق سرمایه اجتماعی در هر دو گروه، همبستگی میان اعتماد و اجتماعی درون‌گروهی بالا در این دو گروه بود.

ج ۱. میزان شاخص تراکم در سطح زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان

مرکز اکولوژیک	گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	تراکم (درصد)	
				مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه
روستای اشتیوان	فردوسی	اعتماد	۱۰	۸۲/۹	۹۸/۴۳
		مشارکت	۱۰	۹۱/۱	۱۰۰
	وحدت	اعتماد	۱۱	۳۵/۵	۹۲/۵
		مشارکت	۱۱	۳۸/۵	۹۴/۵
	سینا	اعتماد	۱۰	۲۷/۸	۹۴/۴
		مشارکت	۱۰	۳۱/۱	۹۲/۲
	حسام	اعتماد	۱۰	۳۵/۶	۹۶/۷
		مشارکت	۱۰	۳۶/۷	۱۰۰
	حجت	اعتماد	۱۰	۴۷/۸	۹۴/۴
		مشارکت	۱۰	۶۲/۲	۹۳/۳
	تلاش	اعتماد	۱۱	۷۵/۶	۹۶/۴
		مشارکت	۱۱	۲۳/۶	۹۳/۶
	احسان	اعتماد	۱۰	۵۸/۹	۹۷/۸
		مشارکت	۱۰	۸۱/۱۱	۹۸/۹
	نیاز	اعتماد	۱۰	۱۸/۹	۸۸/۹
		مشارکت	۱۰	۲۸/۹	۹۳/۳
	بنفشه	اعتماد	۱۳	۸۶/۵	۹۸/۵
		مشارکت	۱۳	۷۵	۹۷/۶
	بصیرت	اعتماد	۸	۳۲/۱۱	۹۲/۹
		مشارکت	۸	۲۶/۳	۹۱/۱
برکت	اعتماد	۱۰	۷۳/۳	۹۸/۷	
	مشارکت	۱۰	۷۸/۹	۱۰۰	

(جدول شماره ۲).

در مرحله بعد از اجرای پروژه دو گروه بنفشه و احسان با ۹۷/۷۸ و ۹۸/۲۳ درصد بیشترین شاخص دوسویگی پیوندها را در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت به خود داشته‌اند و با نهادینه شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت در این دو گروه و پایبندی به سنت‌های محلی در بین تمام اعضا، شاهد گروهی منسجم با پایداری زیاد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بسیار قوی خواهیم بود که با بسیج جامعه محلی و افزایش توانمندی اعضای گروه، تقویت تاب‌آوری در برابر تنش‌های محیطی و اجتماعی و درنهایت دستیابی به مدیریت مشارکتی روستایی را به دنبال خواهد داشت. در ادامه نتایج شاخص انتقال‌یافتگی نشان می‌دهد که گروه فردوسی و نیاز به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین میزان این شاخص را در مرحله قبل از اجرا پروژه دارند

در مرحله بعد از اجرای پروژه دو گروه بنفشه و احسان با ۹۷/۷۸ و ۹۸/۲۳ درصد بیشترین شاخص دوسویگی پیوندها را در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت به خود داشته‌اند و با نهادینه شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت در این دو گروه و پایبندی به سنت‌های محلی در بین تمام اعضا، شاهد گروهی منسجم با پایداری زیاد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بسیار قوی خواهیم بود که با بسیج جامعه محلی و افزایش توانمندی اعضای گروه، تقویت تاب‌آوری در برابر تنش‌های محیطی و اجتماعی و درنهایت دستیابی به مدیریت مشارکتی روستایی را به دنبال خواهد داشت. در ادامه نتایج شاخص انتقال‌یافتگی نشان می‌دهد که گروه فردوسی و نیاز به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین میزان این شاخص را در مرحله قبل از اجرا پروژه دارند

و بحران‌های محیطی و اجتماعی متزلزل خواهد بود. به این گروه و تقویت روح اعتماد و همکاری در میان همین دلیل نیاز است که با رفع چالش‌های پیش روی اعضای آن پایداری و تعادل شبکه را افزایش داد.

ج ۲. اندازه شاخص دوسویگی و انتقال‌یافتگی پیوندها در سطح زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان

مرکز اکولوژیک	گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	مرحله قبل از اجرای پروژه		مرحله بعد از اجرای پروژه	
				دوسویگی (درصد)	انتقال‌یافتگی (درصد)	دوسویگی (درصد)	انتقال‌یافتگی (درصد)
روستای اشتیوان	فردوسی	اعتماد	۱۰	۷۸/۲	۸۲/۹	۹۶/۲۳	۹۴/۱۲
		مشارکت	۱۰	۸۲/۲	۸۷/۹	۹۴/۶۵	۹۲/۱۸
	وحدت	اعتماد	۱۱	۱۸/۱۸	۲۲/۶۷	۹۲/۵	۸۷/۰۳
		مشارکت	۱۱	۱۸/۱۸	۲۲/۶۸	۹۲/۵	۸۷/۰۳
	سینا	اعتماد	۱۰	۱۷/۸	۱۴/۷۴	۸۸/۸۹	۸۸/۵۷
		مشارکت	۱۰	۱۶/۶۷	۱۵/۶۶	۸۸/۶۴	۸۱/۸۵
	حسام	اعتماد	۱۰	۲۸	۱۶/۴۴	۹۳/۳۳	۹۱/۰۶
		مشارکت	۱۰	۲۶/۹۲	۱۷/۱۰	۹۷/۴۳	۹۶/۳۵
	حجت	اعتماد	۱۰	۲۶/۴۷	۲۹/۰۳	۸۸/۸۹	۸۴/۸۷
		مشارکت	۱۰	۴۳/۵۹	۴۲/۵۸	۹۰/۹۱	۸۳/۰۵
	تلاش	اعتماد	۱۱	۳۸/۴۵	۳۳/۳۳	۹۲/۷۳	۹۰/۳۶
		مشارکت	۱۱	۱۳/۰۴	۱۹/۰۳	۸۷/۲۷	۸۳/۵
	احسان	اعتماد	۱۰	۳۵/۹۰	۳۴/۵۹	۹۵/۵۶	۹۳/۳۳
		مشارکت	۱۰	۶۵/۹۱	۶۲/۸۵	۹۷/۷۸	۹۶/۶۶
	نیاز	اعتماد	۱۰	۱۲/۸۵	۱۱/۶۸	۸۱/۸۲	۷۴/۹۶
		مشارکت	۱۰	۳۹/۴۵	۳۳/۹	۸۶/۶۷	۸۵/۹۶
	بنفشه	اعتماد	۱۳	۷۵/۳۲	۷۰/۴۴	۹۷/۴۵	۹۶/۳۷
		مشارکت	۱۳	۵۸/۱۱	۵۴/۱۸	۹۸/۲۳	۹۷/۴۳
	بصیرت	اعتماد	۸	۱۲/۵۰	۱۵	۸۵/۷۱	۸۲/۹۲
		مشارکت	۸	۱۸/۱۸	۲۸/۳۱	۸۲/۱۴	۷۷/۲۰
برکت	اعتماد	۱۰	۵۳/۴۹	۵۴/۶۰	۸۵/۱۸	۸۳/۴۵	
	مشارکت	۱۰	۶۱/۳۶	۶۰/۴۲	۹۶/۳۹	۹۳/۱۴	

نتایج جدول شماره ۳، حاکی از آن است که در مرحله قبل از اجرای پروژه کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در پیوند اعتماد و مشارکت برای گروه فردوسی با میزان ۱/۰۸ درصد است. این نتیجه بیانگر اتحاد و یگانگی بسیار زیاد بین اعضای این گروه در مرحله قبل از اجرای پروژه است که باعث می‌شود افراد در این گروه‌ها با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی داشته باشند. همچنین قبل از اجرای پروژه بیشترین میزان میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت به ترتیب متعلق به گروه بصیرت و حسام است. این گروه‌ها در مرحله قبل از اجرا در مقایسه با دیگر گروه‌ها، بین اعضای خود کمترین اتحاد و یگانگی را داشتند و گردش اعتماد و مشارکت و هماهنگی به‌منظور

مدیریت پایدار و مشارکتی بین آنان با سرعت بسیار کمتری صورت می‌گیرد. بعد از اجرای پروژه و با افزایش روابط بین اعضای گروه‌ها، میزان میانگین فاصله ژئودزیک نیز کاهش یافته است و افراد یگانگی و اتحاد بیشتری نسبت به قبل از اجرا پیدا کرده‌اند و در نتیجه با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی خواهند داشت. گروه‌های فردوسی، حسام و بنفشه کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در مرحله بعد از اجرا در پیوند اعتماد و مشارکت را به خود اختصاص داده‌اند. در نتیجه بعد از اجرای پروژه زمان کمتری برای هماهنگ ساختن افراد در این گروه‌ها برای مدیریت منبع مشخصی صرف می‌شود و در نهایت اعتمادسازی و فعالیت‌های جمعی در این گروه‌ها سریع‌تر از سایر گروه‌ها اتفاق خواهد افتاد.

ج ۳. شاخص میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت در زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه

میانگین فاصله ژئودزیک		تعداد افراد	نوع پیوند	گروه	مرکز اکولوژیک
مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه				
۱	۱/۲۵	۱۰	اعتماد	فردوسی	روستای اشتیوان
۱	۱/۰۸	۱۰	مشارکت		
۱/۰۵	۱/۳۵	۱۱	اعتماد	وحدت	
1/14	۱/۴۵	۱۱	مشارکت		
۱/۰۵	۱/۶۵	۱۰	اعتماد	سینا	
۱/۰۷	۱/۷۹	۱۰	مشارکت		
۱/۰۳	۱/۹۰	۱۰	اعتماد	حسام	
۱	۱/۸۱	۱۰	مشارکت		
۱/۰۵	۱/۵۳	۱۰	اعتماد	حجت	
۱/۰۶	۱/۳۲	۱۰	مشارکت		
۱/۰۳	۱/۴۱	۱۱	اعتماد	تلاش	
۱/۰۶	۲/۱۱	۱۱	مشارکت		
۱/۰۲	۱/۴۲	۱۰	اعتماد	احسان	
۱/۰۱	۱/۱۸	۱۰	مشارکت		
۱/۱۱	۱/۳۶	۱۰	اعتماد	نیاز	
۱/۰۶	۱/۸۱	۱۰	مشارکت		
۱	۱/۱۳	۱۳	اعتماد	بنفشه	
۱/۰۲	۱/۲۵	۱۳	مشارکت		
۱/۰۷	۲/۰۲	۸	اعتماد	بصیرت	
۱/۰۸	۲	۸	مشارکت		
۱	۱/۲۷	۱۰	اعتماد	برکت	
۱/۰۳	۱/۲۴	۱۰	مشارکت		

نتیجه

امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به توسعه روستایی، موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات است. ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق بهبود عملکرد درونی مدیریت محلی در ارتباط با دو مؤلفه اعتماد و مشارکت، بستر ساز بهبود مشارکت ذی‌نفعان جوامع محلی در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی - اکولوژیکی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی در فرایند توسعه همه‌جانبه روستایی باشد. به عبارتی، شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به‌خصوص جوامع روستایی، توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) است که این سازه‌ها از مؤلفه‌های سرمایه

اجتماعی هستند (سعیدی، ۱۳۸۳). وجود سرمایه اجتماعی در جوامع محلی، از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. استفاده از سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به‌عنوان راهی برای توانمندسازی جوامع محلی در مواجهه با جهانی شدن معرفی شده است و در سطوح محلی، برای غلبه بر ضرر اجتماعی بسیار اهمیت دارد (Alston, 2001). به‌عبارت‌دیگر، سرمایه اجتماعی را می‌توان سرمایه‌ای حاصل از تعامل‌های اجتماعی افراد در شبکه‌های مختلف اجتماعی دانست که نتیجه آن، شکل‌گیری سطحی از مشارکت مردمی برای دستیابی به اهداف جمعی است که زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کند (کاظمیان و شفیعا، ۱۳۹۳). اعتماد اجتماعی یک بعد از سرمایه

را شناسایی نمایند. در این تحقیق بین سرمایه اجتماعی بر پایه دو بعد مشارکت و اعتماد اجتماعی در بین ذی‌نفعان محلی با سنجش شاخص‌هایی مانند تراکم، دوسویگی، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک ارزیابی شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این روستا، میزان تراکم در پیوند اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه افزایش یافته است و اجرای پروژه سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح گروه‌های مختلف خرد توسعه شده است که می‌توان آن را به برگزاری کارگاه‌های مشارکتی و برنامه‌های ترویجی و آموزشی و بسیج جوامع محلی در طول اجرای پروژه و در راستای اجرای موفق پروژه و دستیابی به مدیریت مشارکتی جوامع محلی در مسیر توسعه روستایی نسبت داد. به‌طورکلی بالا بودن میزان اعتماد و مشارکت در بین افراد باعث خواهد شد میزان تراکم و انسجام اجتماعی افزایش یافته و سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی با سرعت بیشتری تحقق یابد و در نتیجه مدیریت مشارکتی جوامع محلی به‌منظور توسعه روستایی به‌صورت مطلوب در منطقه شکل بگیرد. نتایج تحقیقات مختلف قربانی (۲۰۱۵)، سالاری (۲۰۱۴) و دی‌هان^۷ (۲۰۱۱) نیز مؤید این مطلب است. وجود اعتماد و مشارکت متقابل باعث می‌شود که شبکه‌ای پایدار ایجاد شود که در آن روح اعتماد، همکاری، تعامل و تعاون و همچنین پایداری به سنت‌ها و عرف‌های محلی در بین افراد نهادینه گردد. این امر منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شده و برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه پایدار روستا با هزینه و زمان کمتری همراه بوده و سبب تقویت فرایندهای مشارکتی در برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه روستایی خواهد شد (سالاری، ۲۰۱۴؛ قربانی، ۲۰۱۵). میانگین فاصله ژئودزیک در دو پیوند اعتماد و مشارکت در روستای

اجتماعی است. اعتماد اجتماعی سطح اطمینان مردم به یکدیگر است، مبنی بر اینکه سایرین طبق انتظار عمل می‌کنند و آنچه می‌گویند قابل اطمینان است. مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست‌های اجتماعی است (محسنی تبری، ۱۳۹۶). اعتماد اجتماعی نه‌تنها یک جنبه مهم از تعاملات اجتماعی است بلکه مؤلفه مرکزی و شاخص کلیدی در بحث سرمایه اجتماعی است (Murayama et al., 2014). به‌طورکلی دو مؤلفه مهم و اساسی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و مشارکت از موضوعات پراهمیت و ویژه در توسعه و برنامه‌ریزی جوامع روستایی است. ایجاد توسعه پایدار روستایی در جوامعی با سرمایه اجتماعی غنی به سهولت انجام می‌شود، در این زمینه در تحقیقات مختلف تأکید بر وجود رابطه مستقیم میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی شده است (افراخته و همکاران، ۱۳۹۳؛ فراهانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ Ghorbani et al., 2015؛ Ling et al., 2015؛ Zhou et al., 2017؛ Moyes et al., 2015).

در این تحقیق پایش و ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در بین کلیه اعضای گروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان که تحت پوشش پروژه ایرانی مشارکتی و توانمندسازی جوامع روستایی است، انجام شده است. روش و ابزار تحقیق، تحلیل شبکه اجتماعی بوده که رویکردی نوین در برنامه‌ریزی برای مدیریت مشارکتی و طرح‌های توسعه روستایی است و محققان با مطالعه شبکه‌های اجتماعی و تحلیل مؤلفه‌های اجتماعی با استفاده از روش تحلیل شبکه قادر هستند چالش‌های پیش روی فرایندهای مشارکتی در توسعه پایدار محلی

اشتیوان قبل از اجرای پروژه به ترتیب ۱/۴۸ و ۱/۵۴ درصد است که بیانگر سرعت متوسط گردش اعتماد و اتحاد و یگانگی و مشارکت افراد روستایی است و پس از اجرای این پروژه این میزان کاهش یافته و به مقدار ۱/۰۳ و ۱/۰۴ درصد برای دو پیوند اعتماد و مشارکت رسیده که نشانگر سرعت به نسبت بالای گردش اعتماد و مشارکت در بین افراد است. در واقع باتوجه به اهمیت زمان و سرعت هماهنگ کردن در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و به ویژه مشارکت برای افزایش سرعت گردش این پیوند در بین افراد و به دنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین افراد در راستای استقرار مدیریت مشارکتی جوامع روستایی بسیار مهم است که نتایج سایر محققان مانند قربانی (۲۰۱۵) و سالاری و همکاران (۲۰۱۴) نیز این ادعا را مورد تأکید قرار داده است.

در نهایت می توان بیان کرد شناخت و استفاده آگاهانه از سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی فرصتی برای نهادسازی و ظرفیت سازی در جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی است (شفیعی، ۱۳۹۲). از طرفی باتوجه به نتایج به دست آمده در این میان روشن است که روابط درون گروهی و برون گروهی نقش بسزایی در ایجاد ارتباط و هماهنگ سازی میان مؤلفه های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و نیز ارتقای سرمایه اجتماعی ایفا می کند و به این ترتیب بستر مناسبی برای توانمندسازی جوامع روستایی و نیز شکل گیری و تحقق مدیریت مشارکتی روستایی را فراهم می سازد (Bodin & Prell, 2011). در این مقاله بر بعد سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی به عنوان عامل مؤثر بر تقویت و حفظ اتحاد و وفاداری در افراد و نیز بر پایداری و ثبات منطقه با حفظ سرمایه اجتماعی در بلندمدت تأکید شده است (قربانی و

همکاران، ۱۳۹۵؛ بریمانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Mousavi, 2012). به طور کلی، برای دستیابی به موفقیت در توسعه پایدار روستایی به تقویت سرمایه اجتماعی از طریق تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی و به دنبال آن افزایش انسجام اجتماعی، تعامل و تقویت همکاری نیاز است. تشکیل گروه های خرد توسعه روستایی و برگزاری جلسات ارزیابی مشارکتی از جمله راهکارهای افزایش تقویت اعتماد و مشارکت در بین افراد و ارتقای سرمایه اجتماعی است؛ به طوری که سرمایه اجتماعی در قالب تشکلهای محلی سبب کاهش فقر با توسعه اقتصاد محلی و افزایش رفاه جامعه می شود که خود بسترساز رسیدن به توسعه پایدار روستایی است (Ling et al., 2015; Zhou & Song, 2017; Moyes et al., 2015; Shirvanian et. Al., 2015). باتوجه به نتایج این تحقیق می توان این ادعا را اثبات کرد که باتوجه به اینکه یکی از مهم ترین عناصر در مدیریت مشارکتی جوامع محلی و توسعه روستایی در مقیاس محلی سازمان دهی و تشکلهایی یا به نوعی بسیج جوامع محلی است، ضرورت دارد سرمایه اجتماعی درون گروهی تقویت گردد.

پی نوشت

1. Social Exclusion
2. Social Network Analysis
3. Reciprocity
4. Density
5. Transitivity
6. Geodesic distance
7. De Haan

فهرست منابع

- احمدی، منیژه. (۱۳۹۶). تحلیلی بر اثرات سرمایه اجتماعی در اخلاق زیست محیطی روستائیان مطالعه موردی: دهستان چایپاره بالا؛ شهرستان زنجان. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۱ (۶۱)، ۱۹-۳۵.
- افراخته، حسن، عزیزی، اصغر؛ مهر علیتبار فیروزجایی، مرتضی. (۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی

- شماره ۸، ۵۵-۴۲.
- شفيعی، مهدی. (۱۳۹۲). مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، مشهد: انتشارات شعرا.
- شمسی، زهرا؛ محب علیپور، منیره؛ الوداری، حسن. (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی، مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره ۱، ۱۱۷-۱۱۳.
- صالحی، رضا؛ نعمتی، مرتضی؛ امان پور، سعید. (۱۳۹۵). سنجش و تحلیل سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: نسیم شهر)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره دوم، ۱۷۲-۱۴۵.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- فراهانی، حسین؛ عبدلی، سمیه؛ چراغی، مهدی. (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی با تأکید بر کیفیت زندگی (مطالعه موردی: دهستان مشهد، میقان شهرستان اراک)، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۸، ۷۸-۶۷.
- قربانی، مهدی؛ جعفریان، وحید؛ یزدانی، محمد رضا و عبدالشاه نژاد، مهسا. (۱۳۹۵). تحلیل شبکه سیاست‌گذاری و انسجام سازمانی دست‌اندرکاران بخش منابع طبیعی در استان سمنان، نشریه مرتع و آبخیزداری، شماره ۱، ۱۶۶-۱۵۵.
- کاظمیان، غلامرضا؛ شفيعا، سعید. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساکنان با پایداری توسعه در محله غیررسمی شمیران نو، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، ۲۴-۱.
- گرجی کرسامی، علی و بابایی کارنامی، علی. (۱۳۹۶). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولید کشاورزی چهاردانگه ساری، مجله تعاون و کشاورزی، دوره ۶، شماره ۲۴، ۱۵۰-۱۲۹.
- گلشیری اصفهانی، زهرا؛ خادمی؛ حسین؛ صدیقی، علیرضا و تازه، مهدی. (۱۳۸۸). تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان (مطالعه موردی: بخش گندمان، شهرستان بروجن). فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، ۱۶۷-۱۴۷.
- محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۹۶). بررسی زمینه‌های مشارکت روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- مطیعی لنگرودی، حسن. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی روستایی با دهستان چهاردانگه، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۴، ۴۷-۲۵.
- اکبریان رونیزی، سعید رضا؛ رضا علی، منصور؛ چهارراهی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: شهر استبان، استان فارس). فصلنامه مطالعات و برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره دوازدهم، شماره ۲، ۳۸۹-۲۷۵.
- بریمانی، فرامرز؛ راستی، هادی؛ دهانی، میثم؛ جهان تیغ، راضیه. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه فقر و سرمایه اجتماعی؛ مطالعه موردی: سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۷۰، شماره ۳۸، ۴۵۳-۴۳۸.
- جمعه پور، محمود. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر دیدگاه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی، سمت، تهران.
- حیدری، رهبر. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری، مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۴، شماره ۱۵، ۲۵۳-۲۱۹.
- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، دوره ۶، شماره ۲۳، ۱۷۱-۱۴۷.
- راستین، محمد؛ خاتمی، سید وحید؛ نوچه، محمد هادی؛ میرعماد، سید حسن و گلیوری، احمد، (۱۳۹۳). نقش توانمندسازی زنان در مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی: روستای فروان در طرح بین‌المللی مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله رود، استان سمنان، اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد.
- رومیانی، احمد؛ عباسستانی، علی اکبر و ولائی، محمد. (۱۳۹۵). تحلیلی بر اثرات سرمایه اجتماعی بر روی توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: دهستان رومشگان غربی شهرستان کوه‌دشت. فضای جغرافیایی، ۱۵.
- ریاحی، وحید؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داود و چراغی، رامین. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین روستائیان (مطالعه موردی: منطقه اورامانات استان کرمانشاه)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۱: ۲۴-۴.
- سعیدی، عباس. (۱۳۸۳). مبانی جغرافیای روستایی، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.
- شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری،

the University of British Columbia.

- Leahy, E. and Anderson, H., 2008. Trust Factors in Community-water Resources Management Agency Relationships. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 87(2): 100-107.
- Ling, Q., Huang LU, H., & Wang, X, 2015, Social capital, member Participation, and Cooperative Performance: Evidence from China's Zhejiang. *International Food and Agribusiness Management Review*, 18, 1, 49- 78.
- Mohamadi kangarani, H. and Mohamadi, E., (2014). Introduction to methodology of social networks (Translation), University of Hormozgan.
- Mousavi, M. (2012). [Social participation as a component of social capital (Persian)]. *Social Welfare Quarterly*, 6(23), 67-92.
- Moyes, D., P. Ferri, F. Henderson and G. Whittam, 2015, The stairway to heaven? The effective use of social capital in new venture creation for a rural business, *Journal of Rural Studies*, 39, 11-21.
- Murayama, H., Arami, R., Wakui, T., & Sugawara, L, 2014, Crosslevel interaction between individual and neighborhood socioeconomic status in relation to social trust in a Japanese community. *Urban Studies Journal*, 51, 13, 2770-2786.
- Popovych, A. (2018). Social Capital and Rural Development. *Current Debates Tourism and Development Studies*, 12, R11, Z13.
- Putnam, R. (1995). Tuning in, tuning out: the strange disappearance of social capital in America. *Political Science and Politics*, 28 (4), 664-683.
- Putnam, R. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schoster.
- Rezvani, M., & Darban Astaneh, A. (2012). Explain the factors affecting rural governance in local government (case studu: Qazvin Township). *Urban Management*, 28, 179-198.
- Salari, F., 2014. Modeling and Analysis of watershed network in resin watershed in Kermanshah (Master's thesis). Department of Natural Resources, University of Tehran.
- Saleh Nasab, Gh. (1992). The Role of Women in Agricultural Development. *Agricultural Research, Education and Extension*, 151, 22-27.
- Sepehri, M. and Riahi, A., 2010. Applying social network analysis to extract knowledge management system needs in knowledge-based organizations, *Science and Technology Policy*, 3(2): 81-93.
- Sharbatiyan, M.H., A. Bokharai and P. tavafi, 2015, The study of social capital in rural development (Case study: village of AsadAbad city Torbat-Heidriyeh), *Quarterly Journal of Human Geography*, 7(4), 139-163.
- Stern, M. J. and Baird, T. D (2013), "Trust ecology and the resilience of natural resource management institutions", *Ecology and Society*, No.2: 14-23.
- Warner, F. (1999). Social capital construction and the role of the local state, *Rural Sociology*, 64(3), 120-159.
- Zhou, L., E. Chan and H. Song, 2017, Social capital and entrepreneurial mobility in early-stage tourism development: A case from rural China, *Tourism Management*, 63, 338-350.

تأکید بر ایران، جهاد دانشگاهی مشهد.

- میری، جوان؛ حسن؛ افرخته، و شایان، حمید. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی مطالعه موردی: منطقه پشت آب سیستان، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره چهاردهم، ۴۹-۲۹.
- Alston, M. (2001). *Social Capital in Rural Australia*, Director, Center for Rural Social Research Charles Sturt University.
- Azkia, M., and Firoozabadi, S.A. (2008). Investigation of Social capital in kind's exploitation systems of land and effective factors on conversion peasant exploitation to cooperation. *Social science Letter*, 33(1), 97-111.
- Barber, B. (1983). *The Logic and Limits of Trust*, New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Bastani, S. and Raeesi, M., (2011). Network analysis method: use of the entire network approach in the open source community, *Journal of Social Studies*, 5(2): 32-59.
- Bodin, O., & Prell, C. (2011). *Social networks and natural resource management: Uncovering the social fabric of environmental governance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Coleman, J. S. (1990). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Currie, G., & Stanley, J. (2008). Investigating links between social capital and public transport. *Transport Reviews*, 28 (4), 529-547.
- Davenport, M. A., Leahy, J. E., Anderson, D. H. and Jakes, P. J. (2007), "Building trust In Natural Resource Management within Local Communities": A Case Study of the Midewin National Tallgrass Prairie, *Environmental Management*, No 3: 353-368.
- De Haan, A. (2001), *Social Exclusion Enriching the Understanding of Deprivation*, University of Sussex.
- Dhesi, A. S. (2000). Social Capital and Community Development. *Community Development Journal*, 35(3), 199-214.
- Earle, T. and Cvetkovich, G. T. (1995), *Social Trust: Toward a Cosmopolitan Society*, New York: Prager.
- Ericsson, KA. (2004), *Deliberate Practice and the Acquisition and Maintenance of Expert Performance in Medicine and Related Domains*. 79 (10), S70-S81.
- Ghaffari, M. (2011). *The Basics of Regional Planning*. Publication of). *The Basics of Regional Planning*. Publication of Planning and Budget Organization, Tehran.
- Ghorbani, M., 2015. The Action Plan of social-policy networks monitoring and assessment in local communities' empowerment and integrated landscape management. Research Institute about empowering local communities and participatory management of natural resources Publishers, university of Tehran. 85p.
- Jatel, N., (2013). Using social network analysis to make invisible human actor water governance networks visible – the case of the Okanagan valley, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in the college of graduate studies (Interdisciplinary Studies)

DOI: 10.22034/42.181.31